



## بلوار ناهار خوران میراثی در قلب هیرکانی

این بلوار در اصل بخشی از طولانی‌ترین خیابان گرگان است که از میان جنگل ناهار خوران می‌گذرد

مهلا دریان / دبیر سرزمین من

عقابی برای صرف شام در آسمان اوج گرفته بود. آنقدر اکسیژن زیاد بود که مغزمان تعجب کرده بود.

قدمت روستا به صدها سال قبل برمی‌گردد. می‌گویند در گذشته آتشکده‌ای بزرگ هم داشته که محل تجمع زرتشتیان برای زیارت بوده است.

هوا کم کم داشت تاریک می‌شد و ما فرصت بیشتری برای ماندن نداشتیم؛ چیزی به غروب نمانده بود که به محل اقامت مان رسیدیم و باید صبح کله سحر به جایی می‌رفتیم که می‌گفتند زیر درختان بلوطش الماسی سیاه پنهان است. در مقر اطفای حریق سازمان جنگلبانی در جایی که تصویر پنجره مقابل مان باند فرود هلی کوپتر بود به خواب رفتیم و خواب پرواز دیدیم.

بلوار ناهار خوران خودش یک جاذبه گردشگری است، پر از مغازه‌های جور واجور و کافه و رستوران‌های مناسب با هر ذائقه‌ای.

هر مدل تفریحی که بخواهید در این خیابان موجود است؛ از پیاده‌روی و خرید تا کمپ و جنگل‌نوردی و یک حمام آبگرم در ارتفاعات خنک و سبز.

در انتهای بلوار می‌توانید برای یک اقامت دلچسب در جنگل‌های النگدره هتل جهانگردی را انتخاب کنید. پارک جنگلی النگدره یکی از جاذبه‌های دیدنی استان گلستان است. و راهی پر پیچ و خم دارد به روستایی قدیمی و نشانه رسیدن به روستا، سنگ‌هایی است که زمین را فرش کرده و تابلویی که روی آن نوشته‌اند: «ده زیارت».

جنگل زیر پایمان بود. صدای مرغی آوازخوان از دور دست می‌آمد و

هوا گرگ و میش بود که راه افتادیم. آسمان به رنگ ابری بهاری و درختان و علفزارها سبز مغزپسته‌ای بود. ۱۵ کیلومتر راه تا گرگان داشتیم.

وارد جاده فیروز کوه که شدیم، قرار گذاشتیم برای ناهار اکبر جوجه اصل را پیدا کنیم. وقتی به گلوگاه رسیدیم همه رستوران‌ها تبدیل شدند به «اکبر جوجه اصل». دست آخر هم یکی از رستوران‌هایی را که به نظرمان خوب می‌آمد انتخاب کردیم. اکبر جوجه‌ها هم دیگر مزه قدیم را ندارند. از گلوگاه تا گرگان نیم ساعت بیشتر راه نبود و تا منطقه ناهار خوران که بهشت جنگل‌های گلستان است ۱۵ دقیقه فاصله بود. ابرهای خاکستری آسمان را پوشانده بود اما باران نمی‌بارید. هواشناسی را قبل از سفر چک کرده بودیم؛ تا ۴ روز آینده باران نمی‌آمد. توصیه: «همیشه قبل از سفر آب و هوای مقصدتان را چک کنید.»



▲ گرگان - بلوار ناهار خوران